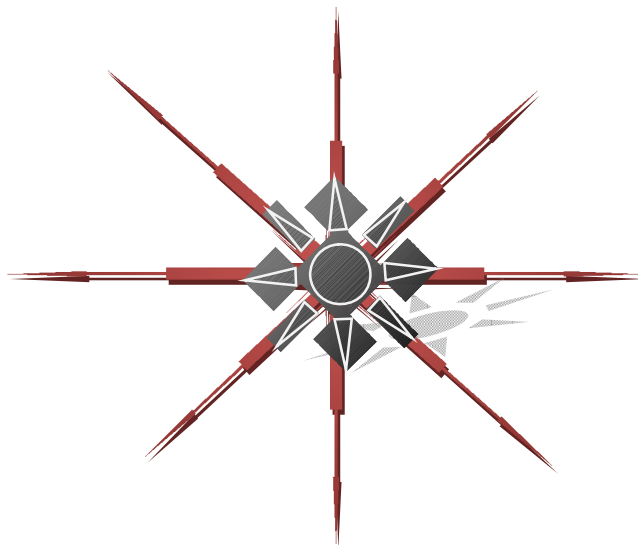




گاهنامه هنر و مبارزه

13 آوریل 2011

بخش یکم

«مأمور مادر تریپولی» :

تروریست های اسلامی، توسط ناتو حمایت می شوند و در پیکره
شورشیان لیبی ادغام شده اند

نوشته میشل شوسودوسکی

par Michel Chossudovsky

ترجمه از فرانسه به فارسی توسط حمید محوی



Mondialisation.ca, Le 9 avril 2011

مفاهیم به هم ریخته اند : به نام «جنگ علیه تروریسم»، هم پیمانان نظامی ایالات متحده آمریکا و ناتو از شورشیانی حمایت می کنند که تروریست های اسلامی از اعضای آن هستند.

گروه های مختلف شورشی در اپوزیسیون لیبی شرکت دارند : سلطنت طلبان، اعضای نیروهای نظامی ارتش لیبی، جبهه ملی برای آزادی لیبی، کنفرانس ملی برای اپوزیسیون لیبی نقش سازمان دهنده داشته و به امور پناهندگان یعنی آنهایی که از رژیم لیبی روی برگردانده اند رسیدگی می کند که وزیر دادگستری و موسی کوسا، وزیر امور خارجه اخیرا به جمع پناهندگان پیوسته اند.

«الجامعه الاسلامیه المقاتله بلیبیا» گروه مبارزین اسلامی در لیبی کاملا به پیکره اپوزیسیون لیبی پیوسته و البته این موضوع به ندرت در رسانه های غربی انعکاس یافته است.

شورای ملی مرحله گذار در لیبی ماهیت روشنی ندارد. این شورا براساس نمایندگی شورایی که اخیرا تأسیس شده «به امور زندگی روزمره در شهرها و روستاهای آزاد شده» می پردازد. (در این مورد به آدرس زیر مراجعه کنید)

<http://ntclibya.org/english/counter-terrorism/>

نیروهای اپوزیسیون از مبارزان غیر نظامی آموزش ندیده، اعضای قدیمی نیروهای نظامی لیبی و شبهه نظامیانی تشکیل شده که توسط گروه مبارزان اسلامی (شاخه لیبی)، به عنوان یکی از شبکه های القاعده، آموزش دیده و در خط اول جبهه شورش مبارزه می کنند.

شبکه القاعده ابزاری برای مداخلات ایالات متحده و ناتو

گروه مبارزان اسلامی در لیبی چه در سطح گروهی و یا فردی توسط شورای امنیت در سازمان ملل متحد به عنوان تروریست باز شناسی شده است. بر اساس خزانه داری ایالات متحده آمریکا : «گروه مبارزان اسلامی در لیبی به دلیل کاربرد خشونت و اتحاد با القاعده و دیگر سازمان های تروریستی با تمایلات خشونت بار ثبات و امنیت جهانی را به خطر می اندازد.»

([Treasury Designates UK-Based Individuals, Entities Financing Al Qaida -Affiliated Libyan Islamic Fighting Group - US Fed News Service](#), 8 février 2006)

مفاهیم از هم گسیخته شده اند. واشینگتن و ناتو، یعنی آنهایی که مدعی «جنگ علیه تروریسم» هستند، و از «جنبش طرفدار دموکراسی» دفاع می کنند، ولی از سوی دیگر

می بینیم که اعضای یک سازمان تروریستی در این جنبش دموکراسی خواه نفوذ کرده اند. سرنوشت مزاح آمیزی چنین مقدر کرده است که واشینگتن و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خلاف قوانین و قواعد ضد تروریستی خودشان عمل کنند.

علاوه بر این، پشتیبانی نیروهای اپوزیسیونی که توسط تروریست ها سازمان دهی می شوند از دیدگاه «مسئولیت حفاظتی» که به قطعنامه 1973 در شورای امنیت سازمان ملل متحد باز می گردد، موضوعی است که قطعنامه 1267 شورای امنیت در سازمان ملل متحد را به شکل بارز و برجسته ای نقض می کند. زیرا این قطعنامه گروه مبارزان اسلامی در لیبی را به عنوان سازمان تروریستی بازشناسی کرده است. به عبارت دیگر، شورای امنیت در سازمان ملل متحد نه تنها منشور سازمان ملل متحد بلکه قطعنامه های خودش را نیز نقض می کند.

([The Al-Qaida and Taliban Sanctions Committee - 1267](#)).

منشأ گروه مبارزان اسلامی در لیبی

موضوعی که پرونده های بسیار زیادی درباره آن وجود دارد : از دوران جنگ شوروی و افغان ها، «جهاد اسلامی» به شکل سرّی از جانب سیا حمایت می شده است. (مقاله میشل شوسودوسکی زیر عنوان :

«جنگ آمریکا علیه تروریسم» 2005 ترجمه به فرانسه «جنگ و جهانی سازی»).

Voir Michel Chossudovsky, America's "War on Terrorism", Global Research, Montréal, 2005 ; en français : [Guerre et mondialisation](#)).

سیا در آموزش مجاهدین با استفاده از آموزه های عمومی سرویس اطلاعات داخلی پاکستان نقش کلیدی بازی کرد. در نتیجه، آموزه های اسلام در تمرین های چریکی که سیا هزینه آن را می پرداخت گنجانده شده بود:

مارس 1985، رئیس جمهور ریگان در پرونده 166 در سازمان امنیت ملی تصمیمات راهبردی(1) که مرتبط به استراتژی ایالات متحده در افغانستان می باشد، افزایش کمک نظامی به مجاهدین را تأیید کرده و به روشنی روند جنگ سرّی در افغانستان و اهداف نوین آن را توضیح داده است : مجبور ساختن ارتش شوروی برای ترک افغانستان از طریق اقدامات سرّی.

کمک های سرّی از جانب ایالات متحده آمریکا با افزایش چشم گیری در ارسال اسلحه آغاز شد و سالانه به مرز 65000 تن در سال 1987 رسید، و علاوه بر این خیل متخصصین سیا و پنتاگون که از طریق جاده اصلی نزدیک راولپندی به مرکز فرماندهی سرویس اطلاعات داخلی پاکستان رفت و آمد می کردند. کارشناسان سیا با افسران پاکستان همکاری می کردند و به هدف کمک به شورشیان افغان عملیات نظامی برای آنها طرح ریزی می کردند.

(Steve Coll, Washington Post, 19 juillet 1992)

گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی، از مجاهدین لیبی تشکیل شده است که از مشاوران جنگی در جنگ شورشیان افغان علیه شوروی بودند.

از آغاز، از اوایل سال های 1990، گروه مبارزین اسلامی (شاخه لیبی) برای سیا و اینتلیجنت سرویس بریتانیا نقش مأمور اطلاعاتی را به عهده داشت. از سال 1995، گروه مبارزان اسلامی به شکل فعال به جهاد اسلامی پیوستند و علیه رژیم لائیک لیبی دست به کار شدند و حتی سوء قصد به جان معمر قذافی در سال 1996، کار همین گروه بود. (مترجم: در مقالات پیشین مطالب زیادی در باره این سوء قصد نوشته شده است)

دیوید شایلر (2) مأمور قدیمی اینتلیجنت سرویس (اطلاعات امنیت خارجی بریتانیا) آشکار ساخت که در اواسط سال های 1990 وقتی در دفتر لیبی کار می کرده است، کارمندان سرویس اطلاعاتی بریتانیا با گروه مبارزین اسلامی (شاخه لیبی) همکاری می کردند و این گروه با ستوان وفاداری به نام اسامه بن لادن در رابطه بود.

اکنون گروه مبارزان اسلامی در بریتانیا به عنوان گروه تروریست شناسایی می شود (3).

حملات تروریستی از نوع چریکی دائماً علیه نیروهای امنیتی لیبی، پلیس و کارمندان ارتش انجام گرفته و گمان می رود که چنین حملاتی با حمایت و هم کاری اینتلیجنت سرویس انجام گرفته است:

در سپتامبر 1995 بین نیروهای امنیت [دولت قذافی] و چریک های اسلامی در بنغازی طی زد و خوردهایی دوازده نفر از هر دو طرف کشته شدند. پس از هفته ها زد و خورد شدید، گروه مبارزان اسلامی (در لیبی) رسماً اعلام موجودیت کرد و در اعلامیه ای دولت قذافی را رژیم مرتد دانسته و مدعی شده بود که این دولت از فرامین خداوند بزرگ سرپیچی کرده و کافر است و «نخستین وظیفه بر اساس ایمان به خداوند بزرگ» براندازی آن خواهد بود».

این اعلامیه گروه مبارزان اسلامی (شاخه لیبی) و به همین گونه اعلامیه های بعدی، توسط افغان های لیبی منتشر شده بود که از انگلستان پناهندگی سیاسی گرفته بودند [...] **دخالت دولت بریتانیا در اردوی گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی علیه قذافی هم چنان موضوع بحث و جدل است.**

پس از درگیری های سال 1995، گروه مبارزان اسلامی عملیات مهم دیگری را در سال 1996 را به اجرا گذاشت که طی آن چند نفر از محافظان نزدیک قذافی کشته شدند. بعدها، براساس اعترافات مأمور اطلاعاتی امنیت خارجی بریتانیا، دیوید شایلر، مشخص شد که این عملیات با بودجه سازمان اطلاعات امنیت خارجی بریتانیا (اینتلیجنت سرویس) انجام گرفته که معادل 160000 دلار بوده است.

اگر چه بخشی از گزارشات دیوید شایلر تأیید نشده است، ولی روشن است که انگلستان به گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی اجازه داده است که امکانات لوژیستیک و مالی در خاک کشورش ایجاد کند. در هر صورت، تأمین مالی از جانب بن لادن از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. بر اساس یکی از گزارشات، گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی از جانب مغز متفکر تروریست سعودی به ازای هر یک از مبارزانی که در عملیات چریکی کشته شده 50000 دلار دریافت کرده است.(4)

ولی گزارشات تناقض آمیز است زیرا مشخص نمی گردد که آیا گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی جزئی از القاعده است و یا به عنوان گروه جهاد طلب مستقل عمل می کند. یکی از گزارشات حاکی از این امر است که گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی نام القاعده در مغرب اسلامی را اختیار کرده است.(5)

تداوم در عملیات ایالات متحده و سرویس های اطلاعاتی کشورهای هم پیمان : عملیات القاعده در یوگوسلاوی

از دوران جنگ شوروی و افغان، شبکه القاعده به عنوان «مأمور اطلاعاتی» در خدمت سیا بود. عملیات های القاعده توسط دولت کلینتون برای پشتیبانی از لوژیستیک ارتش بوسنی-هرزگوین (ارتش مسلمان بوسنی) در اوایل سال های 1990 مورد استفاده قرار گرفت و این موضوع در پرونده ای به سال 1998 در سنای ایالات متحده آمریکا تأیید شده است.(6)

موضوعی که پرونده های متعددی درباره آن وجود دارد و نشان می دهد که ارتش آزادی بخش کوزوو با حمایت ناتو روابط تنگاتنگی با تروریست های اسلامی داشته است.(7)

القاعده در یوگوسلاوی در وضعیت «جنگ بشر دوستانه» به عنوان مأمور اطلاعاتی برای ناتو به خدمت گرفته شد. سازمان های تروریستی به شکل مخفیانه پشتیبانی شده و بودجه دریافت کرده اند. در سال 1999، مداخله ناتو به ارتش آزادی بخش کوزوو که القاعده در آن نفوذ کرده بود یاری رساند. مطابق یکی از پرونده های کمیته حزب جمهوری خواه آمریکا در باره کوزوو :

یکی از وجوه ملال آور بحران [تروریسم] فعلی [کوزوو در سال 1998] این است که به دلیل بی احتیاطی و ناشی گری سیاست خارجی خودمان در بوسنی و کوزوو، بر خلاف تمام محاسبات، ما خودمان از قهرمانان مسلمان شورشی هستیم که از گروه های تروریست اسلامی اصول گرایی پشتیبانی می کنیم که از سوی دیگر دشمنان قسم یاد کرده ما هستند.(8)

آیا عملیات «بامداد اودیسه» در لیبی منعکس کننده یکی از عادات تکراری ایالات متحده و ناتو نیست؟ یعنی توجیه مداخله نظامی به بهانه بشردوستانه و «نجات جان شهروندان»

ولی با پشتیبانی از شورشی که تروریست ها در آن نفوذ کرده اند؟ این همان بهانه ای بود که ناتو برای مداخله در بوسنی و کوزوو به آن تکیه کرد، ولی از این واقعه چه درسی برای لیبی باید آموخت؟ رئیس سابق اطلاعات لیبی، «جاسوس دو جانبه» موسی کوسا به نفع بریتانیا به شورشیان می پیوندد.

گروه مبارزان اسلامی در لیبی نه تنها از پشتیبانی سیا و سرویس اطلاعات و امنیت خارجی بریتانیا بلکه از پوشش بخشی از آژانس اطلاعاتی لیبی برخوردار بوده است که در آن دوران توسط وزیر امور خارجه، موسی کوسا اداره می شده ، یعنی فردی که در پایان ماه مارس 2011 به نفع انگلستان به جبهه شورشیان می پیوندد.

در اکتبر 2001، رئیس اطلاعات لیبی، موسی کوسا با معاون وزیر ایالات متحده ویلیام برنز ملاقات می کند. این ملاقات اهمیت فوق العاده ای دارد. نمایندگان رده بالای سیا و سازمان اطلاعات و امنیت خارجی بریتانیا، مانند سر جان اسکارلت نیز در این ملاقات حضور داشتند.

«مأمور ما در تریپولی»، موسی کوسا می بایستی به عنوان مأمور دو جانبه عمل کند. هنگام ملاقات با سر جان اسکارلت، قرار بر این شد که موسی کوسا به عنوان مأمور اطلاعاتی بریتانیایی در تریپولی گماشته شود». (ساندی اکسپرس، 3 آوریل 2011)

([Libya defector Moussa Koussa was an MI6 double agent](#), Sunday Express, 3 avril 2011)



معاون وزیر پشین ایالات متحده آمریکا، ویلیام برنز

L'ancien secrétaire d'État adjoint des États-Unis William J. Burns



سر جان اسکارلت، رئیس پیشین اینتلیجنت سرویس

Sir John Scarlett, ancien chef du MI6

گسترش گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی به عنوان جنبش شبهه نظامی جهاد طلب، و به همین گونه ادغام آن در نیروهای اپوزیسیون علیه قذافی مستقیا حاصل نقش مرکزی این مأمور دو جانبه، موسی کوسا بوده که با سیا و اینتلیجنت سرویس رابطه تنگانی داشته است.



موسی کوسا، جاسوس دو جانبه

در نتیجه، رویگردانی موسی کوسا از رژیم قذافی در پایان ماه مارس 2011 کاملاً به یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده شباهت دارد. این جریان از طریق مذاکره یکی از رؤسای قدیمی گروه مبارزان اسلامی با دولت بریتانیا انجام گرفت که برای یک بنیاد برای دفاع از حقوق شخصی کار می کند که در لندن مستقر می باشد.

نومان بن اوتمان، یکی از دوستان وزیر امور خارجه موسی کوسا، در بی بی سی توضیح داد که چگونه فرار او را از رژیم قذافی سازمان دهی کرده است.

بن اوتمان، پیش از این ریاست گروه مبارزان اسلامی شاخه لیبی را به عهده داشت، ولی برای بنیاد «کویلیام» (9) کار می کند، که یک اتاق فکری ضد افراطی گری است.

او گفت که فکر می کرد که موسی کوسا سرانجام با دولت بریتانیا وارد مذاکره خواهد شد و در مورد اطلاعات نیز همکاری های زیادی خواهد کرد.

بن اوتمان، در 1 آوریل 2011 در برنامه صبح گاهی بی بی سی توضیح داد که چگونه به موسی کوسا در فرارش یاری رسانده و در باره رابطه رقابت آمیز خودش با او در گذشته مطالبی را مطرح کرد.

موضوع مزاح آمیز این است که، بن اوتمان در جنگ شوروی و افغان به عنوان مجاهدین استخدام شده بود و یکی از بنیان گذاران گروه مبارزان اسلامی (لیبیایی) در افغانستان بوده است. بن اوتمان در حال حاضر روی مسائل «ضد افراطی گری» تمرکز داشته و به عنوان تحلیل گر در بنیاد کوئلیام کار می کند، مسئولیت های او عبارت است از نزدیک ساختن «افراطیون قدیم و جدید، و از کوئلیام به عنوان سکو برای گسترش دانش و آگاهی اش به شکل عمومی درباره القاعده و دیگر گروه های جهاد طلب استفاده می کند».

پا نوشت :

1 . National Security Decision Directive 166

2 . David Shayler

3 . <http://globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=23957>

(Gerald A. Perreira, [British Intelligence Worked with Al Qaeda to Kill Qaddafi](#), Global Research, 25 mars 2011, c'est l'auteur qui souligne.)

4 . [2005] (Cité dans Peter Dale Scott, [Who are the Libyan Freedom Fighters and Their Patrons?](#) Global Research, mars 2011, c'est l'auteur qui souligne.)

5. (Voir Webster Tarpley, [The CIA's Libya Rebels: The Same Terrorists who Killed US, NATO Troops in Iraq](#), Global Research, mars 2011)

6. (Voir US Senate, Republican Party Committee, Clinton-Approved Iranian Arms Transfers Help Turn Bosnia into Militant Islamic Base, <http://rpc.senate.gov/releases/1997/iran.htm>, 1998)

7. (Voir US Senate, Republican Party Committee, The Clinton Administration Sets Course for NATO Intervention in Kosovo, 1998, <http://rpc.senate.gov/releases/1998/kosovo.htm>. Voir aussi Michel Chossudovsky, [America's "War on Terrorism"](#), Global Research, Montreal, 2005; en français : [Guerre et mondialisation](#)).

8 . (Col. Harry G. Summers, « Bringing terrorists to justice », Washington Times, 8 décembre 1998, c'est l'auteur qui souligne. Feu le Col. Harry G. Summers (USA-Ret.) (1932-1999) était un *Distinguished Fellow* de l'Institut d'études stratégiques de l'École supérieure de Guerre de Carlisle, PA.)

9. Fondation Quilliam